

## پیشگفتار

این واقعیتی است که بیشتر فقرا و به یقین فقیرترین آنها در نواحی روستایی زندگی می‌کنند؛ افرادی منزوی، پراکنده، فاقد دسترسی به خدمات اجتماعی و سایر خدماتی که باید در دسترس باشند. بدین ترتیب از خصیصه‌های مهم فقر «روستایی» بودن آن است. به طور تقریبی ۷۰ درصد فقرا در نواحی روستایی زندگی می‌کنند و پیش‌بینی می‌شود که نسبت فقرای روستایی در جهان تا قبل از سال ۲۰۳۵ به کمتر از ۵۰ درصد نخواهد رسید. در این راستا یکی از مهم‌ترین عناصر ساختاری توسعه سکونتگاه‌های روستایی در جهت حمایت از فقرای روستایی و کاهش آسیب‌پذیری مناطق روستایی توجه ویژه به ابعاد کالبدی فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و محیطی انسان در مناطق روستایی است. بدین معنا عناصر کالبدی سکونتگاه‌های روستایی در سه سطح نواحی روستایی، بافت روستایی و در نهایت مسکن روستایی مورد توجه قرار می‌گیرند.

در این راستا عناصری چون مسکن، محیط امن، خدمات عمومی، خدمات زیربنایی و کاربری اراضی بیش از سایر مقولات مورد توجه‌اند. این عناصر حمایت مادی و بهبود کیفیت زندگی انسان روستایی را مد نظر قرار می‌دهند. در این راستا نیاز به طراحی بافت کالبدی به عنوان ابزاری برای توسعه روستایی از الزامات توسعه تلقی می‌شود. بدیهی است انسان یا هر جامعه بشری تا زمانی که در محل معینی اسکان نیافته، نیاز به برنامه‌ریزی کالبدی را احساس نمی‌کند. به عبارتی انسان خانه به دوش هیچ‌گاه به برنامه‌ریزی کالبدی نیازی نمی‌یابد، اما به محض اینکه در مکانی ساکن شد، آن‌گاه برنامه‌ریزی کالبدی هویت می‌یابد. همواره با تکامل اجتماعات انسانی نیاز به برنامه‌ریزی کالبدی هم افزایش می‌یابد، زیرا با تنوع روابط بین افراد و

گروه‌ها راه و روش زندگی پیچیده‌تر می‌شود، همچنین با رشد جمعیت، نیازهای آنان نیز رو به تزاید می‌گذارد.

نتیجه اینکه فضایی که این فرایند در آن رخ می‌دهد باید با دقت بیشتری مورد استفاده قرار گیرد. این نوع برنامه‌ریزی حفاظت و استفاده کارآمد و پایدار از زمین و منابع مرتبط با آن را مورد توجه قرار می‌دهد. به کارگیری مفاهیم مذکور در عرصه‌های روستایی تحت عنوان برنامه‌ریزی کالبدی سکونتگاه‌های روستایی عمدتاً به ساختارهای کالبدی مناطق روستایی مرتبط می‌شود و آن‌گاه با مضامین و مؤلفه‌هایی چون کاربری اراضی، ارتباطات و دسترسی‌ها و مسکن در قالب طراحی روستایی در ارتباط قرار می‌گیرد. در این راستا طراحی روستایی بیشتر با سطوح بافت و مسکن روستایی مرتبط است و بر جستجوی زمینه‌ها و وسایل تحقق و ارتقای کیفیت کالبدی سکونتگاه‌های روستایی تأکید دارد. این جستجوی توأم با خلاقیت و نوآوری بومی تا به امروز با دو هدف عملکردی و زیبایی‌شناختی بصری ادامه داشته است.

طراحی روستایی را می‌توان فعالیتی تلقی کرد که به محیط انسان‌ساخت در سطح سکونتگاه‌های روستایی شکل می‌دهد و به آن انسجام می‌بخشد. لذا از ابتدای طرح مفاهیم مرتبط با توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی، طراحی روستایی همواره از اهمیت روزافزونی برخوردار بوده است. اگرچه به‌نظر می‌رسد در مورد تعریف طراحی روستایی هنوز اتفاق نظر کاملی وجود ندارد، می‌توان بر اساس رویه‌های متداول در سطح کشورهای توسعه‌یافته دنیا طراحی روستایی را با شکل کالبدی عرصه عمومی روستا مرتبط کرد که بر مبنای آن دو نوع مقیاس معماری و برنامه‌ریزی روستایی هویت می‌یابد. در سطح معماری، طراحی روستایی با شکل کالبدی عرصه خصوصی روستا، یعنی بناها و ساختمان‌ها، و در سطح برنامه‌ریزی روستایی با سازمان فضایی عرصه عمومی روستا در مقیاس وسیع‌تر مرتبط است. براساس این تعریف می‌توان ویژگی‌های طراحی روستایی را با عناصری چون مرتبط بودن با جنبه‌های کالبدی و فضایی محیط روستایی، تفکیک کارکردی عملکردها، پذیرش تغییرپذیری مستمر و تکاملی محیط روستا، مشارکتی و تعاملی بودن فرایند

طراحی، تمرکز فعالیت‌ها بر فضاهای عمومی و تاحدودی بر فضاهای خصوصی روستا منطبق دانست.

بر این مبنا می‌توان انتظار داشت که طراحی روستایی زمینه و امکان به وجود آمدن تغییر و تحول کیفی و توأم با برنامه‌ریزی را در محیط‌های روستایی فراهم کند. در فرایند طراحی روستایی، طراحان بنا بر محتوای عناصر کالبدی سکونتگاه‌های روستایی با مؤلفه‌هایی چون مکان‌یابی، طرح‌ریزی و طرح‌بندی‌های دقیق مکانی، تراکم‌ها، کاربری‌ها، عرصه‌های عمرانی، محیط انسان‌ساخت چون مسکن، دسترسی‌ها و محیط طبیعی سروکار دارند. بدین ترتیب می‌توان مشخصه اصلی طراحی روستایی را هدفمند بودن آن و نیز دارا بودن پیوند میان اهداف توسعه روستایی و طرح‌هایی روستایی دانست که ماهیت کالبدی-فضایی دارند.

در حال حاضر با تنوع گسترده مسائل و نیازهای رو به تزاید جوامع روستایی در همه کشورهای در حال توسعه جهان، طراحی روستایی باید به گونه‌ای مورد توجه قرار گیرد که بتواند تبلور کالبدی-فضایی راه‌حل‌ها و نیز تأمین‌کننده نیازهای جوامع روستایی در همه سطوح و در همه زمینه‌ها باشد. در این راستا طراحی روستایی باید به گونه‌ای عمل کند که در آن فضا و کالبد معنی‌دار و هدفمندی برای روستاها به وجود آید. بی‌تردید با تغییرات کالبدی مستمر جوامع روستایی در سال‌های اخیر، طراحی روستایی می‌تواند ملموس‌ترین فعالیتی تلقی شود که قادر است ارزش‌ها و نیازهای جامعه روستایی را محقق کند. بر این اساس کتاب حاضر با توجه به تغییرات اساسی در گرایش‌های رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری به عنوان منبع درسی و نیز در راستای تحقق اهداف توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی از طریق طراحی روستایی در سیزده فصل تدوین شده است:

در فصل نخست جایگاه طراحی روستایی در نظام برنامه‌ریزی کالبدی سکونتگاه‌های روستایی مورد بحث قرار گرفته است. سپس در فصل دوم به مبانی نظری طراحی و منظر روستایی به تفکیک پرداخته شده و اهداف و اصول آن به طور دقیق بررسی شده است. در فصل سوم تأکید بر مراحل و فرایند طراحی روستایی، در

فصل چهارم اصول طراحی سکونتگاه‌های روستایی و در فصل پنجم نیز مبانی اقلیمی در طراحی روستایی ارائه شده است. فصل ششم به رهنمودهای عمومی در طراحی روستایی پرداخته و در فصل هفتم نیز طرح‌ریزی مکانی در طراحی روستایی بررسی شده است. در فصل هشتم طراحی بافت کالبدی سکونتگاه‌های روستایی و در فصل نهم نیز طراحی مکانی - کالبدی سکونتگاه‌های روستایی تحلیل و تفسیر شده است. در فصل دهم طراحی مسکن روستایی و در فصل‌های یازدهم و دوازدهم نیز به ترتیب رهنمودهای طراحی روستایی مقابله با سیل و زلزله در بخش طراحی مقابله با مخاطرات روستایی مورد مطالعه بوده است. در نهایت در فصل سیزدهم اصول و مبانی طراحی راه‌های روستایی در حوزه دسترسی‌های روستایی مورد تأکید قرار گرفته است.